



۲۰۱۶/۰۶/۰۶

سید هاشم سدید

جناب نوری صاحب بسیار عزیز

مرا می بخشید. دو باری که تلفون کردید، من خانه نبودم. دیدن یکی از دوستان رفته بودم و پاسی از شب گذشته بود که خانه آمدم. پیام شما را فردای آن روز، یعنی روز جمعه دریافت نمودم. در همین روز باید به شهری در حدود سی و شش کیلومتر دور از شهری که من زندگی می کنم برای یک جراحی نسبتاً کوچک می رفتم. ساعت شش، بعد به خانه برگشتم. خون ریزی کم، ولی درد نسبتاً زیاد داشتم. باید دوباره نزد داکتر مراجعه می کردم، اما به روز شنبه کلینیک ها بسته هستند. شفاخانه خودم نخواستم بروم. خون ریزی دیروز شام قطع شد، اما درد هنوز تقلیل نیافته است. دیشب احساس سردی عجیبی می کردم، همراه با لرزه، و مثلی که جای عملیات التهاب کرده است. فردا باید دوباره نزد داکتر مراجعه کنم.

همه این جریان را برای آن خدمت تان نقل کردم که فکر نکنید پیام شما به من نرسیده یا گویا من خدای ناخواسته نسبت به پیام شما گرانقدر بی اعتنائی کرده ام.



نامه بزرگوارانه و پر از مهر تان را خواندم. اصلاً تقصیر از من بود که "آب را نا دیده موزه از پا در آوردم." شما پیام را نشر کرده بودید، ولی من متوجه آن نشده بودم. امروز که وبسایت «آریانا افغانستان آنلاین» را باز کردم چند نظر پائین تر آن پیام نظرم را جلب نمود. گذشته از این من نباید از شما انتظار آن را داشته باشم که خلاف اصول و سیاست نشراتی پورتال چیزی را به دست نشر بسپارید. چنین توقعی در اساس توقعی متکی بر عقلانیت و احترام به پرنسپ های یک اداره نیست. در ابتدا متوجه این مطلب بودم. این موضوع را یکی - دو ماه قبل به شما نیز یاد آور شده بودم. همچنان به یکی از کسانی که اشاره ای به همکاری من و وبسایت «آریانا افغانستان آنلاین» نموده بود چندین ماه پیش در یکی از نوشته هایم یاد کردم که من نمی خواهم با برخی از نوشته های تند خود فضای گرم و آرام «آریانا افغانستان آنلاین» را تیره و مخدوش سازم. اما نمی دانم چه شد که

آن احساس و فکر جای خود را به توقعی داد که نباید به عمل می آمد. شاید نوشته غیر مؤدبانه هاشمیان اختیار از کف من ربود.

مقالاتی را که مطابق به پالیسی پورتال باشد روان می کنم. چون به اصطلاح "مجمعه" بسیار شدید همراه با خنک عجیبی آزارم می دهد، این نامه را در همین جا به اجازه شما ختم می کنم. شاید یکی دو روز دیگر باز هم در خدمت تان باشم.

